

## ۲۵. اغوای بشر

برای بسیاری مبدأ شرارت و علت وجود آن موضوع بسیار مبهمی می باشد. کینه و رزم و جنگ و بغض و نفرت و نتایج شنیع آن را دیده اند تعجب می کنند که با وجود سلطه خداوند دانا و قادر و مهربان چگونه ممکن است این وضع ادامه داشته باشد. واقعاً این یک سر بارزی است که جواب آن را نتوانسته اند دریابند. عده ای هستند که در کاوش برای سوالات خود جوابهایی می خواهند و در نتیجه نسبت به خداوند و الهاماتش سوؤظن نشان میدهند. دیگران مسأله بزرگ شرارت را بعلت گفتارهای بی اساس مردم درک نکرده اند و از سیرت خداوند و عکس العمل وی نسبت بگناه و رفع شرارت بی اطلاعند.

توضیح کامل در باره مبدأ گناه و شرارت محال است. مع الوصف چیزهایی که خدا در باره شرارت و نابودی نهائی آن آشکار نموده است بقدری کامل است که جوینده حقیقی را از عدالت و محبت خداوند در حل مسأله گناه قانع می کند. این قدر مسلم است که خداوند مهربان مولد شرارت نبوده و هیچ گونه دستوری برای پیدایش آن نداده. یگانه تعریف گناه آنست که در کتاب مقدس ذکر شده: «هر که گناه کند، قانون خدا را میشکند، زیرا گناه چیزی جز شکستن قانون نیست.» (اول یوحنا ۳: ۴). یعنی هر عملی یا فکری که بر خلاف قاعده اصلی محبت الهی باشد یکنوع گناهست، زیرا که محبت پایه و اساس حکومت الهی است. «اما آن که محبت بی خبر است. زیرا خدا محبت است.» (اول یوحنا ۴: ۸).

قبل از ورود گناه کائنات آسمان از صلح و مسرت مملو بود. مخلوقات هماهنگی مطلقى با ارادهٔ خالق داشتند. خالق مورد پرستش بی آلايش، بی ریا، و بی استثنای مخلوق بود. وی از خدمت اجباری مخلوقات خود متنفر است و به همه آزادی اختیار داده است تا با رقبت و از صمیم قلب او را پرستش و خدمت نمایند و زنده بمانند و یا با اختیار خود از فرمانهای او سرپیچی نموده، خلاف یا گناه کنند و بمیرند.

ولى در بین مخلوقات بی شمار، یکی از آزادی خود سوء استفاده نموده راه تمرد را اختیار کرد. زهره در ابتداً مقدس و بی آلايش آفریده شد. در بارهٔ وی چنین گفته شده است:

«بیهوه چنین می فرماید، تو خاتم کمال و مملو حکمت و کامل جمال هستی. در عدن در باغ خدا بودی و هر گونه سنگ گرانها. . . پوشش تو بود و صنعت دفها و نایهائیت در تو از طلا بود که در روز خلقت تو، آنها مهیا شده بود. تو کروبى مسح شدهٔ سایه گستر بودی و ترا نصب نمودم تا بر کوه مقدس خدا بوده باشی و در میان سنگهای آتشین می خرامیدی. از روزی که آفریده شدی تا وقتی که بی انصافی در تو یافت شد به رفتار خود کامل بودی. اما از کثرت سوداگریت بطن ترا از ظلم پر ساختند پس خطا ورزیدی و من ترا از کوه خدا بیرون انداختم. ترا ای کروبى سایه گستر، از میان سنگهای آتشین تلف نمودم. دل تو از زیبائیت مغرور گردید و بسبب جمالت حکمت خود را فاسد گردانیدی لهذا ترا بر زمین می اندازم

و ترا پیش روی پادشاهان می گذارم تا بر تو بنگرند. بکثرت گناهت و بانصافی تجارتت مقدسهای خویش را بی عصمت ساختی. پس آتشی از میانت بیرون می آورم که ترا بسوزاند و ترا بنظر جمیع بینندگان تو بر روی زمین خاکستر خواهیم ساخت و همه آشنایانت از میان قومها بر تو متحیر خواهند شد و تو محل دهشت شده دیگر تا به ابد نخواهی بود.» ( حزقیل ۲۸:۱۲-۱۹).

زهرة امتیاز آنرا داشت تا مثل سایر فرشتگان آسمان محبوب خالق بماند ولی نبی در حق او میگوید: «ای زهرة دختر صبح، چگونه از آسمان افتاده ای؟ ای که امتها را ذلیل می ساختی چگونه بزمین افکنده شده ای؟ و تو در دل خود می گفتی باآسمان صعود نموده کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهیم افراشت و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهیم نمود. بالای بلندبهای ابرها صعود کرده مثل حضرت اعلی خواهیم شد.» (اشعیا ۱۴:۱۴-۱۶).

بجای اینکه سعی و کوشش کند خداوند را تجلیل نماید زهرة خواست فرشتگان را بخود و در جهت اهداف خودخواهانه اش اختصاص دهد. در نظر داشت تا به مقام خالق طمع کرده و آنچه را که منحصرأ بخداوند متعلق بود برای خود اختیار نماید. در نتیجه، هماهنگی سماوی بهم خورد و زهرة در غرور و تکبر و طمع و تخلف خود کوشش ورزید.

زهرة مقام ارشد اولی را ترک کرده حس عدم رضایت را میان سایر فرشتگان اشاعه نمود. خواست دیگران را همچون خودش از شریعت و قوانین و قواعد سماوی

ناراضی کند. ادعا کرد که اگر به سخنان او گوش دهند شریعت را از بین برده آزادی کاملتری به ایشان خواهد بخشید و بسطح بالاتری ترقی خواهند نمود.

خداوند رحمن و رحیم مدت زیادی زهره را تحمل کرد و مکرراً او را بتوبه دعوت نمود ولی او درخواستهای محبت آمیز خالق را رد نموده تصمیم به مبارزه بر علیه خالق خود گرفت. خداوند با معرفت بی انتهای خود رخصت داد تا زهره به کار و نقشه خود ادامه دهد تا بمرحله انقلاب رسمی درآید. لازم بود مقاصد زهره برای همه آشکار و مبرهن شود. تا کنون زهره بکذب و فریب متوسل شده بود و حال لازم بود همه از حيله و نیرنگ او باخبر باشند تا موقعی که دیگران از نیت و آگاه شوند. درک بدی گناه هرگز ممکن نمی شد. تا آن موقع گناه یا تخلف بفضای آسمان رخنه نکرده بود و نتیجه اهریمنی نادیده گرفتن شریعت خداوند برای فرشتگان و اهالی کرات معلوم نبود.

شنوندگان عزیزدر برنامه آینده به ادامه این گفتار در مورد ادعاهای فریبنده زهره خواهیم پرداخت

